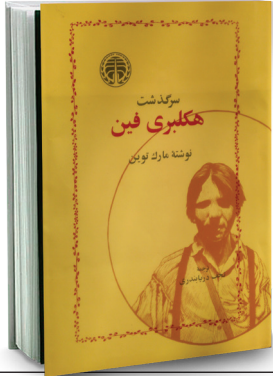


## سرگذشت هکلبری فین

اگر می‌خواهید رمانی بخوانید که هم سرگرم‌تان کند و هم چشم‌تان را به روی تیرگی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و کج‌وکوله‌گی‌های جهانی که در آن به سر می‌برید باز کند «سرگذشت هکلبری فین» مارک‌تواین را دریابید. رمانی که لحظه‌لحظه‌اش هم مفرح است و از خنده روده‌برتان می‌کند و هم پیا آن به آمریکایی سفر می‌کنید که در آن برده‌داری و تبعیض نژادی و ناپساامانی اجتماعی و کلاهبرداری غوغا می‌کند. این اما تمام ماجرا نیست که اگر بود، «سرگذشت هکلبری فین» هم مثل بسیاری از آثاری که محدود به زمانه خود هستند بعد از مدتی فراموش می‌شد و تاریخ مصرفش که به اتمام می‌رسید آن را دور می‌انداختند و امروزه دیگر نام و یادی از آن نبود. هنر مارک‌تواین اما این است که از خلال سفر به آمریکای روزگار خود پنجره‌ای به کل جهان و بشریت باز می‌کند و مسائلی را طرح می‌کند که همچنان برای بشر امروز هم موضوعیت دارند و این راز ماندگاری رمان مارک‌تواین است. رمانی که ارنست همینگوی در ستایش آن گفته است: «هکلبری فین بهترین کتابی است که تا به حال داشته‌ایم. تمام داستان‌های آمریکایی از آن بیرون آمده‌اند. چیزی پیش از آن نبوده است.» رمان «سرگذشت هکلبری فین» اولین بار در سال ۱۸۸۴ به چاپ رسید، اما مثل هر اثر دیگری که ردی از نبوغ در آن هست، این رمان هم در زمان خودش آن‌طور که باید قدر ندید و منتقدان آن را به دلیل زبان عامیانه‌ای که در آن به‌کار رفته بود بی‌ارزش قلمداد کردند. هکلبری فین اما سوار بر کلکی که با آن روی رودخانه می‌سی‌سی‌پی سفر می‌کرد قرن‌نوزدهم را درنوردید، در قرن بیستم قدر دید و به زمانه ما رسید و اکنون یکی از شاهکارهای ادبیات جهان به حساب می‌آید و اتفاقا همان زبان عامیانه‌ای که منتقدان در زمان اولین چاپ این رمان آن را توی سر نویسنده‌اش کوبیدند و از آن ایراد گرفتند، امروزه یکی از نقاط قوت این رمان به حساب می‌آید. تواین در این رمان هرچه از فرهنگ عامیانه و شوخی‌های شفاهی و سنت‌های حکایت‌گویی و لطیفه‌پردازی آمریکایی در چنته دارد روی دایره ریخته و از آن سود جسته تا داستان‌های سرگرم‌کننده، جذاب و خنده‌داری را برای مخاطبانش تعریف کند. می‌گویند سبک نوشتاری و شوخی‌های او از لطیفه‌ها و داستان‌های خنده‌داری که ماجراجویان آمریکایی و جوبندگان طلا در طول سفر تعریف می‌کرده‌اند بسیار تأثیر گرفته است. برای همین است که ترجمه چنین رمانی کار هرکسی نیست و این رمان را باید با ترجمه مترجمی کاربلد خواند. از این رمان ترجمه‌های مختلفی در زبان فارسی موجود است اما بهترین ترجمه از آن نجف دریابندری است. دریابندری در ترجمه‌اش از این رمان طنزی را که در آن موج می‌زند و همچنین زبان عامیانه این رمان را به خوبی در زبان فارسی پیاده کرده و ترجمه شیرین و جذابی از این رمان به دست داده است. «سرگذشت هکلبری فین» داستان پسری است که در دست پدر نامتادلش قرار می‌کند و همراه با سیاهپوستی به نام جیم با کلک رودخانه می‌سی‌سی‌پی را می‌پیماید. هک و جیم در حین این رویدیمایی ماجراهای مختلف و خطرناکی را از سر می‌گذرانند اما هر بار موفق می‌شوند از انواع خطرات جان سالم به ببرند. آنها حین سفر با آدم‌های مختلف و متنوعی مواجه می‌شوند، ازجمله با شایادان دغل‌کاری که خود را شاه و دوک معرفی می‌کنند و آویزان هک و جیم می‌شوند و جایی از زمان نقشه می‌کشند که جیم را بفروشند. «سرگذشت هکلبری فین» سفری است در دل آمریکای قرن نوزدهم و همان‌طور که گفته شد ما در دل این سفر و همراه با هک و جیم به کل جهان سفر می‌کنیم و با عمده‌ترین دغدغه‌های بشری مواجه می‌شویم و این‌ها همه در لافای از داستان‌هایی شیرین و سرگرم‌کننده پیچیده شده که هم مخاطب عادی را به خود جلب می‌کند و هم مخاطبی را که با خواندن رمان، ورای تفریح و سرگرمی در جستجوی چیزی است که او را به تأمل در هستی وادارد و به‌عادت‌های رایج از منظری تازه و متفاوت نگاه کند.



## تجدید چاپ «مهر گیاه» امیرحسن چهل تن

رمان «مهرگیاه» امیرحسن چهل‌تن امسال از طرف انتشارات نگاه تجدید چاپ شده است. «مهرگیاه»، مثل دیگر رمان‌های چهل‌تن، داستانی است که وقایع آن در مقطعی از تاریخ معاصر ایران اتفاق می‌افتد. چهل‌تن در این رمان سرگذشت دو زن تنها و مغموم و شکست‌خورده را در حوالی شهریور ۱۳۳۰، همزمان با ورود متفقین به ایران، روایت می‌کند و داستان آنها را با این واقعه تاریخی گره می‌زند. وقایع تاریخی در رمان «مهرگیاه» گرچه در پس‌زمینه زندگی فردی شمس‌الضحی و رفعت، قهرمانان زن داستان، قرار گرفته اما در عین حال بخشی از طرح و توطئه رمان را همین وقایع می‌سازند و این در پایان رمان مشخص می‌شود.

# ۱۴ | کتبی‌نو

مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار  
شاهرخ مسکوب / انتشارات علمی و فرهنگی

# شاهنامه و زندگی پنهان اعماق

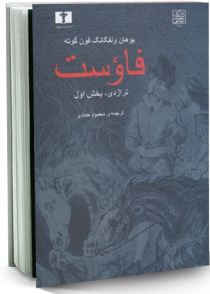
یکی از بزرگ‌ترین بداقیالی‌هایی که اغلب دامنگیر متون کلاسیک فارسی می‌شود و نمی‌گذارد مخاطبان امروزی ادبیات با این متون آن‌طور که باید ارتباط برقرار کنند، این است که کمتر کسی از نگاهی نو و امروزی این متون را مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌دهد. بعضی‌ها هم که می‌کشند نگاهی نو به این متون داشته باشند از آن ور بام می‌افتند و تحلیل‌هایی ارائه می‌دهند که به متون کهن نمی‌چسبد. در این قحطی تحلیل نو و امروزی و درست از متون کلاسیک، باید غنیمت شمرد آن آثاری را که در آنها به‌متون کهن از منظری تازه و در عین حال متناسب با حقیقت آن متون نگاه شده، چراکه چنین آثاری می‌توانند حلقه انصالی درست بین مخاطب امروزی و متون قدیمی به وجود آورند و خواننده امروزی را با ادبیات کلاسیک آشتی دهند. یکی از این نمونه‌ها کتاب «مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار» نوشته زندیاد شاهرخ مسکوب است. انتشارات علمی و فرهنگی اخیرا چاپ تازه‌ای از این کتاب را در شکل و شمایل جدید و متفاوت



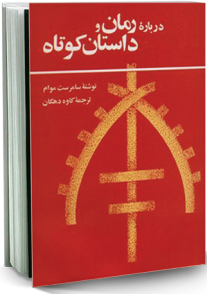
فاوست / یوهان ولفگانگ فون گوته / ترجمه محمود حدادی / انتشارات نیلوفر با همکاری انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

# فاوست با ترجمه‌ای تازه

آثار کلاسیک ادبیات جهان هیچ‌وقت کهنه نمی‌شوند و هرگز برای خوانندگان دیر نیست، چراکه در این آثار از موضوعاتی سخن به میان می‌آید که بشر همیشه و در تمام دوره‌های تاریخی با آنها درگیر است. تراژدی «فاوست»، نوشته یوهان ولفگانگ فون گوته، ازجمله این آثار است. اثری مشهور درباره معامله با شیطان. قهرمان این نمایشنامه روح خود را با شیطان معامله می‌کند و... از این داستان مشهور البته روایت‌های مختلفی هست که یکی از آنها روایت گوته است. امسال انتشارات نیلوفر با همکاری انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ترجمه‌ای تازه از بخش اول «فاوست» گوته منتشر کرده است. این ترجمه را محمود حدادی مستقیم از متن آلمانی «فاوست» انجام داده است. حدادی به گواه آنچه تاکنون منتشر کرده، از مترجمان توانای ادبیات آلمانی‌زبان است و بیشتر هم کلاسیک‌ها و کلاسیک‌های مدرن را برای ترجمه انتخاب می‌کند. یکی از نقاط قوت ترجمه‌های او تسلطش بر ادبیات کلاسیک ایران و استفاده از امکانات نهفته در متون نظم و نثر فارسی در ترجمه ادبیات جهان است. نمونه این تسلط را در ترجمه



اگر وقت نداشتید هرچه رمان کلاسیک را، که در جهان وجود دارد، بخوانید دست کم فهرست ده رمان انتخابی سامرست موام را از دست ندهید. این نویسنده انگلیسی در کتاب «درباره رمان و داستان کوتاه» ده رمان برتر از نگاه خودش را فهرست کرده و درباره این رمان‌ها و نویسندگانشان نوشته است. همه این ده رمان هم جزو شاهکارهای ادبیات جهان هستند گرچه موام در مقدمه کتاب به‌درستی اشاره می‌کند که بهترین رمان‌های دنیا فقط همین ده رمانی نیستند که او نامشان را در فهرست خودش آورده است. فهرست موام از این قرار است: «تام جونز»، اثر هنری فیلدینگ، «غرور و تعصب»، اثر جین استین، «سرخ و سیاه»، اثر استندال، «باباگوربو»، اثر بالزاک، «دیوید کاپرفیلد»، اثر چارلز دیکنز، «بلندی‌های بادگیر»، اثر امیلی پروت، «آدام برای»، اثر گوستاو فلوربر، «موبی‌دیک»، اثر هرمان ملویل، «جنگ و صلح»، اثر تولستوی و «برادران کارامزوف»، اثر داستایوفسکی. خوشبختانه هر ده رمان انتخابی موام هم به فارسی ترجمه شده‌اند. جذابیت کتاب «درباره رمان و داستان کوتاه» موام



اما فقط در ارائه این فهرست نیست. در این کتاب از زندگی و شخصیت نویسندگان این ده رمان هم اطلاعات جالبی به خواننده داده می‌شود. کتاب شامل دو بخش است؛ بخش اول آن درباره رمان است و به همین ده رمانی می‌پردازد که موام آنها را بهترین رمان‌های جهان می‌داند و بخش دوم کتاب هم به داستان کوتاه اختصاص دارد. آنچه می‌خوانید سطرهایی است از مقدمه این کتاب: «یک‌رمان را باید با لذت خواند. اگر رمان به خواننده لذت ندهد، بی‌ارزش است. با این حساب هر خواننده‌ای خودش بهترین منتقد اثری است که دارد می‌خواند. برای اینکه فقط خود او می‌داند که از چه چیز کتاب لذت می‌برد و از چه چیز آن لذت نمی‌برد. در خواندن داستان، هیچ قیوبند و الزامی وجود ندارد. منتقد از این لحاظ می‌تواند مفید باشد که بگوید به عقیده او (و این یک شرط مهم است) ارزش‌ها و مزیای رمانی که معمولاً یک اثر بزرگ شناخته‌شده کدام است و نقایص آن کدام. ولی قبل از هر چیز باید خواننده را آگاه ساخت که از رمان نباید توقع کمال داشته باشد...»

# ویس مشرق

کتابگردی



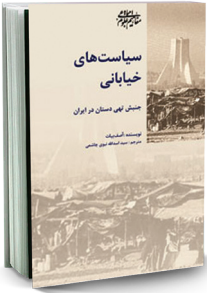
یکشنبه ● ۲۱ خرداد ۱۳۹۶ ● شماره صد و شش

A T I V E H N O

سیاست‌های خیابانی / اصف بیات / ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی / انتشارات شبیرازه

# جنبش تهی‌دستان در ایران

زندگی شخصی و خانوادگی او گره می‌خورد. آنچه در ادامه می‌خوانید قسمتی از این مقدمه است: «بخش عمده‌ای از دوران کودکی‌ام تا سال‌های اولیه بزرگسالی، با همین مردمی گذشته است که تا رویود این مطالعه را تشکیل می‌دهند؛ یعنی تهی‌دستان مهاجر. اگرچه اکنون به‌عنوان یک دانشگاهی با الزامات خاص آن قلم می‌زنم، با این وجود، سال‌هایی که با جامعه مزبور در تهران زندگی کردم، همراهشان مبارزه نمودم و به بلوغ رسیدم، غنی‌ترین منابعم به حساب می‌آیند. در اواسط دهه ۱۳۳۰ در یک روستای کوچک در حدود ۱۰۰ کیلومتری تهران چشم به هستی گشودم... پدرم مغازه‌ای را در روستایمان دایر کرد که همه چیز در آن می‌فروخت؛ از نفت و شیرینی گرفته تا تکش‌های روسی. با انجام اصلاحات ارضی در اوایل دهه ۱۳۴۰، به هرکدام از روستاییان ده ما یک قطعه زمین چند هکتاری داده شد، اما پدرم که خوش‌نشین محسوب می‌شد، همچنان همان‌ساکن بی‌زمین روستا باقی‌ماند و از شغلی به شغل دیگر روی می‌آورد و گاه بی‌کاری می‌شد. او به خاطر رفت‌وآمدهای زیادش بین شهر و روستا، بسیاری از چیزهای مدرن را وارد زندگی روستایی ما کرد...»



درباره رمان و داستان کوتاه / سامرست موام / ترجمه کاوه دهگان / انتشارات علمی و فرهنگی

# ده رمان برتر جهان

ادبیات و کار - ۷-

# «جای خالی سلوچ» محمود دولت‌آبادی

تا از سه‌میش در برابر جهان مردانه ارباب‌ها محافظت کند. از خلال نقل این داستان، دولت‌آبادی به‌اوضاع اجتماعی یک دوران نقب می‌زند و به‌طور مشخص‌تر به اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر زندگی روستاییان. بی‌دلیل نیست که رمان با غیاب سلوچ - شوهر مرگان - آغاز می‌شود و با تنهایی مرگان و مواجه شدن او با این حقیقت که حالا باید به‌تنهایی بجنگد تا مال و زندگی‌اش را حفظ کند. سلوچ رفته است تا نمادی باشد از همه روستاییان کنده‌شده از زمین و آواره در شهرها در سال‌هایی که وقایع رمان دولت‌آبادی در آن اتفاق می‌افتد. «جای خالی سلوچ» ادامه منطقی داستان‌های کوتاه محمود دولت‌آبادی است. اگر دولت‌آبادی در آن قصه‌ها گوشه‌هایی از رنج کارگران و بیشتر

البته کشاورزان را روایت کرده بود، در «جای خالی سلوچ» به عمق این رنج می‌رود و آن را در قالب یک رمان بسط می‌دهد. اینک سطرهای آغازین این رمان: «مرگان که سر از بالین برداشت، سلوچ نبود. بچه‌ها هنوز در خواب‌بوند: عباس، ابرو، هاجر. مرگان زلف‌های مقراضی کنار صورتش را زیر چارقد بند کرد، از جا برخاست و پا از گودی دهنه در به حیاط کوچک خانه گذاشت و یکر است به سر تنور رفت. سلوچ سر تنور هم نبود. شب‌های گذشته را سلوچ لب‌تنور می‌خوابید. مرگان نمی‌دانست چرا؟ فقط می‌دید که سر تنور می‌خوابد. شب‌ها دیر، خیلی دیر به خانه می‌آمد، یکر است به ایوان تنور می‌رفت و زیر سقف شکسته ایوان، لب تنور، چمبر می‌شد...»

